

نهمین دوره مجلس شورای اسلامی ماههای پایانی عمر خود را می‌گذراند و مردم کشورمان در هفتم اسفند ماه سال جاری یک بار دیگر پای صندوق‌های رای می‌روند تا نمایندگان خود را برای دوره دهم انتخاب کنند. اما برخی نکات در هر دوره از مجلس شورای اسلامی مطرح می‌شود که جای نقد و بررسی دارد. یکی از این موارد تعداد نمایندگان روحانی در هر دوره از مجلس شورای اسلامی‌است. اگر به ۹ دوره مجلس شورای اسلامی نگاه کنیم، بررسی آمار حضور روحانیون در مجالس اول تا نهم نشان می‌دهد که در هر دوره از مجلس حضور روحانیون به نسبت مجلس دوره قبل کاهش قابل توجهی داشته است. از دوره اول مجلس شورای اسلامی تا امروز که مجلس دهم در حال شکل‌گیری است، همواره بخشی از ترکیب مجلس را روحانیون به خود اختصاص می‌دادند اما آمار نشان می‌دهد که حضور روحانیون در مجلس شورای اسلامی‌روندی کاملا نزولی داشته است. در حالی که در دوره اول مجلس شورای اسلامی تعداد کل نمایندگان ۳۲۷ نفر بوده ۱۶۴ روحانی از کل کشور و ۱۳ نماینده روحانی از تهران در خانه ملت حضور داشتند. این در حالی است که با وجود افزایش نمایندگان در مجلس نهم به ۲۹۰ نفر، تنها ۲۷ روحانی از کل کشور و ۵ روحانی از تهران توانستند وارد بهارستان شوند.

بنابر این در حالی که بیشترین تعداد نماینده روحانی در کل کشور در دوره اول مجلس شورای اسلامی حضور داشته‌اند، تعداد نمایندگان روحانی دوره دوم مجلس ۱۵۲ نفر بوده که سهم تهران ۱۱ نفر بوده است. در دوره سوم مجلس سهم روحانیون ۸۵ نفر بوده که ۱۲ نفر از تهران به این عرصه آمده‌اند. در دوره چهارم نیز ۶۷ روحانی در خانه ملت حضور داشتند که سهم تهران ۱۲ نفر بوده است.

روند نزولی نمایندگان روحانی در دوره پنجم نیز ادامه داشت به نوعی که تعداد نمایندگان روحانی این دوره مجلس ۵۳ نفر بوده که مردم تهران به ۱۳ نماینده روحانی رای داده‌اند. اما در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی ۴۳ نماینده روحانی به خانه ملت راه یافته‌ند که سهم تهران به چهار نماینده کاهش یافت که این کاهش یک باره سهم تهران جای سوال و البته بررسی بیشتر دارد. در دوره هشتم مجلس روند کاهش روحانیون متوقف شد و با افزایش یک نماینده روحانی، تعداد روحانیون حاضر در مجلس به ۴۴ نفر رسید که سهم تهران پنج نماینده بود. اکنون نیز در دوره نهم مجلس شورای اسلامی‌هستیم، تعداد نمایندگان روحانی ۲۷ نفر است که سهم تهران همان پنج نماینده روحانی است. بنا بر این آمار کمترین تعداد نماینده روحانی از سراسر کشور مربوط به مجلس نهم و کمترین آمار حضور نمایندگان روحانی از حوزه انتخابیه تهران، مربوط به مجلس هفتم است. البته توضیح این نکته ضروری است که در مجالس اول تا ششم، تعداد کل نمایندگان باید ۲۷۰ نفر باشد اما به دلیل شهادت برخی از آنها در مجالس اول و دوم یا ورودشان به دولت و یا ای وارد مجلس شده‌اند و به این ترتیب تعداد کل نمایندگان در این ادوار بیش از ۲۷۰ نفر شده است.

از مجلس ششم تا هشتم نیز اگرچه باید تعداد کل نمایندگان ۲۹۰ باشد اما به همین دلایل تعداد متغیر بوده است. اما نکته قابل توجه دیگری نیز وجود دارد که مربوط به اقبال عمومی مردم به نمایندگان روحانی است. بدین معنا که پرسابقه‌ترین نماینده روحانی تهران، حجت‌الاسلام سیدمحمود دعایی مدیر مسوول کنونی روزنامه اطلاعات است که در شش دوره نماینده پایتخت بوده است. پس از او حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق نوری است که در پنج دوره بوده و حجت‌الاسلام حسن روحانی، حجت‌الاسلام محسن مجتهد شبستری و حجت‌الاسلام محمدعلی موحدی کرمانی در چهار دوره نماینده مجلس بوده‌اند.

حجت‌الاسلام‌هادی غفاری، حجت‌الاسلام مهدی کروی و آیت‌الله علی‌اکبر هاشمی رفسنجینی نیز در سه دوره نماینده تهران بوده‌اند. اکنون این سوال مطرح می‌شود که چرا تعداد روحانیون حاضر در مجلس شورای اسلامی کاهش یافته است؟ آیا عملکرد روحانیت باعث تغییر نگاه مردم و کاهش رای مردم به این قشر شده یا آنکه تعداد نامزدهای روحانی کاهش چشمگیری داشته که مردم نتوانسته‌اند به نامزد روحانی رای بدهند یا آنکه



نامزدهای مطرح و کارآمدی از دیگر اقسشار جامعه برای ورود به مجلس ثبت نام کرده و توانسته‌اند از روحانیت سبقت بگیرند؟ شاید هم دلایل دیگری دارد که کاهش تعداد روحانیون را در هر دوره از مجلس شورای اسلامی سبب شده است. برای آنکه این مساله را با دقت بیشتری بررسی کنیم و به این سوالات پاسخ بدهیم، با حجت‌الاسلام سید محمد سادات ابراهیمی، نماینده شوشتر و گتوند و عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی‌گفت و گو کردیم. وی که علاوه بر دوره نهم در دوره هشتم مجلس شورای نیز به نمایندگانی از قشر روحانیت بر صندلی سبزه بهارستان تکیه زده تا قبل از ورود به خانه ملت، رییس عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی‌شوشتر بوده است. آنچه در ادامه آمده است، نتیجه گفت‌وگوی ما با این نماینده عضو فراسیون روحانیون مجلس شورای اسلامی است.

در دوره اول مجلس شورای اسلامی از ۳۲۷ نماینده حدود ۱۶۰روحانی داشتیم که به مرور کاهش پیدا کرده است تا این دوره که از ۲۹۰ نماینده تنها ۲۷ روحانی در خانه ملت داریم و با این روندی که پیش می‌رود، احساس خطر می‌شود که در دوره‌های آینده بازم تعداد نمایندگان روحانی کاهش داشته باشد. آیا عملکرد روحانیت ضعیف شده یا اقبال مردم نسبت به روحانیت کم شده یا گزینه دیگری مطرح است؟

ابتدا باید بدانیم که نمایندگی مردم کار آسانی نیست و موضوع انتخاب نماینده قطعا آیت‌ها، مملاک و معیارهای متفاوتی دارد تا یک نماینده بتواند از سوی مرم انتخاب شود و به خانه ملت راه یابد. مردم خواسته‌های گوناگونی دارند که گمان می‌کنند برای به دست آوردن آنها می‌توانند به هر فردی در جایگاهی متوسل شوند و چون نماینده مجلس به آسانی در دسترس است، خواسته‌هایشان را نزد او مطرح می‌کنند. خواسته‌های مردم از بیکاری جوانانشان آغاز می‌شود و تا پیش با افتاده‌ترین موارد ادامه دارد. البته این خواسته‌ها برحق است و مردم باید به این خواسته‌هایشان دست یابند، اما باید بدانیم که توان نماینده تا این اندازه نیست که هم برای بیکاران، کار پیدا کند و هم اسفالت خیابانها را بپیکری کند. اما در خصوص موضوع کاهش نمایندگان روحانی در مجلس شورای اسلامی‌باید بدانیم که این طور نیست که موضوع لباس یا شغل افراد یا جایگاه اجتماعی آنان تمام آیتم و ملاک و معیار مردم در انتخاب اصحل باشد. وقتی ملاک انتخاب را شغل یا جایگاه افراد می‌گیریم، بعد می‌خواهیم این طور برداشت کنیم که تعداد روحانیون حاضر در مجلس به این صورت کم شده است و حتما نسبت به لباس روحانیت حساسیت وجود دارد.

ما که نمی‌توانیم واقعیت موجود کاهش تعداد نمایندگان روحانی را نادیده بگیریم. این کاهش را چگونه باید تحلیل کنیم؟

به نظر حقیر بخشی از کاهش تعداد نمایندگان روحانی در مجلس شورای اسلامی، مربوط به عملکرد خود آقایان روحانی بوده است. به نوعی که آقایان روحانی پس از آنکه رای آورده و به خانه ملت راه یافته‌اند، بعد از آن نتوانسته‌اند خواسته‌ها و مطالبات مردم را پیگیری و در واقع خواسته آنهايي که به نمایندگی شان در مجلس حاضر شده بودند را تامین کنند. در نتیجه مردم هم با رای شان نشان داده‌اند که هرکسی که نتواند مطالبات آنها را دنبال کند و به نتیجه برساند، همراه شان نمی‌شوند. نمونه این هم کاهش نمایندگان روحانی به ۲۷ نفر در طول ۲۷ سال پس از انقلاب اسلامی است.

آیا منظور این است که این نمایندگان روحانی ناکارآمد بوده‌اند؟

شما به سرعت به سراغ کلمه ناکارآمدی می‌روید. البته ناکارآمدی گزینه مهمی است اما نکته‌ای که نباید نادیده بگیریم این است که بسیاری از نمایندگان مجلس به ویژه از کلاتشهر، هم به دلیل رویکرد سیاسی وارد مجلس می‌شوند. اگر بخواهیم عملکرد نمایندگان و رابطه آنان را بر مردم مقایسه کنیم، بسیاری از نمایندگان کلاتشهرها دیدار مردمی‌ندارند و معرفی ناماهی به دستگاه‌ها و ادارات نداده‌اند. در حالی که نمایندگان شهرستانی دایم با مردم ارتباط مستقیم دارند و دیدارهای هفتگی، بازدیدها، سرکشی به حوزه انتخابیه دارند و حتی در مجلس شورای

حجت الاسلام سید محمد سادات ابراهیمی در گفت و گو با «مردم‌سالاری»:

روحانیت برای جلب نظر مردم در انتخابات در احزاب داشته باشند

کوروش شرفشاهی

اسلامی نیز مراجعه‌کنندگان از شهرستان دارند. بنا بر این در کلاتشهرها نگاه سیاسی به عملکرد اجرایی ارجحیت دارد. اما به هر حال همین نمایندگان روحانی فعلی هم که برای مجلس نهم انتخاب شده‌اند را همین مردم انتخاب کرده‌اند و این مردم هم جدای از مردم دیگری که به نوعی تشخیص داده‌اند به کاندیدای روحانی رای ندهند و غیرروحانی را برگزینند، نیست.

یک روحانی باید با مردم چگونه ارتباط داشته باشد و تفاوت نماینده روحانی با غیر روحانی در چیست؟

فضای کشور برای همه نمایندگان با هر پوشش و گرایش یک فضا است و این فضا از نظر دینی، اعتقادی، سیاسی و فرهنگی برای همگان یکسان است. اما مهم برنامه‌هایی است که کاندیدای روحانی باید متفاوت از اقسشار داشته باشد. درواقع نوع ارتباط روحانی با مردم متفاوت و ویژه‌ای دارد و کارها و تلاش‌هایی که انجام می‌دهد، مردم عملا به چشم خود می‌بینند. نکته دیگر گرایش سیاسی نماینده است. موضع‌گیری‌های که یک کاندیدا یا نماینده در مباحث مختلف نشان می‌دهد بسیار متفاوت است و بنابر شرایط موجود تعیین‌کننده خواهد بود. باید خواست مورد نظر مردم را دانست و به آن خواسته‌ها پاسخ داد. به عبارت دیگر زمامتی که مردم می‌خواهند کاندیدای خود را انتخاب کنند، به ریزترین حرکت‌های کاندیداها توجه می‌کنند و این طور نیست که گمان کنیم مردم با سطحی ننگری تصمیم می‌گیرند و چون نگاه عمیقی به عملکردها دارند، هنگام انتخاب نیز با درایت بیشتری انتخاب می‌کنند. نباید تصور شود که مردم با دیدن یک ملاک یا معیار رای می‌دهند، بلکه تمام فاکتورها را بررسی می‌کنند و خیرالموجودین را انتخاب می‌کنند.

پیش‌بینی شما از مجلس دهم چیست و آیا در این دوره تعداد نمایندگان روحانی افزایش خواهد داشت؟

اینکه در مجلس آینده چه اتفاقی می‌افتد، معلوم نیست. مردم گزینه‌های گوناگونی را در نظر می‌گیرند. اکنون دوران برجام و پسانتحریم مطرح است و تاحدودی فضای کشور قابل پیش‌بینی است. از سوی دیگر تجربه نشان داده که نگاه مردم از نظر فرهنگی و سیاسی ثابت نبوده و هر چند سال یک بار تغییرات و دگرگونی دارد. اگر تا روز انتخابات مجلس شورای اسلامی تحولات اساسی در کشور رخ بدهند، نگاه مردم به نمایندگان یک جور خواهد بود و اگر وضعیت اقتصادی و سیاسی ثابت لازم را به دست نیاورد، آنگاه مردم تصمیم دیگری خواهند گرفت. با توجه به این پیش‌فرض، روحانیت در سطح کلان باید بتواند همراه با این تغییرات ملأی‌ها، نگرش‌های فرهنگی و سیاسی، کاندیداهایی را به مردم معرفی کند. به عبارت بهتر باید به مردم کاندیداهایی از قشر روحانی معرفی شود که وقتی مردم رای می‌دهند، احساس کنند که این فرد مهمانی است که دنبال شغل بودند. نکته دیگر این است که باید تنوع در نامزدها باشد و روحانیون از هر گرایشی نامزد انتخابات مجلس شورای اسلامی‌شوند، دراین صورت حتما تعداد نمایندگان روحانی افزایش چشمگیری خواهد داشت. ولی وقتی تعداد نامزدهای روحانی محدود باشد و مردم با تکررات گوناگون نتوانند نامزدهای مورد نظر خود را در بین کاندیداهای روحانی معرفی شده ببینند، آنگاه باید بپذیریم که مردم با هیچ کس تعارف ندارند و آن کسی که بیشتر به تفکر و خواسته‌های آنها نزدیک است و گرایش موردنظرشان را دارد، انتخاب می‌کنند.

بنابراین روحانی بودن تفاوتی ایجاد نمی‌کند و ملاک انتخاب مردم، داشتن باورها و تفکرات جناحی است. آیا این اتفاق با آنچه در اوایل انقلاب اتفاق افتاد، تضاد ندارد؟ هیچ فرقی ندارد. همین مردمی‌که انقلاب کردند، به دلیل نارضایتی از اوضاع انقلاب کردند و اهداف انقلاب و کلام امام‌خمينی(ره) مردم را هدایت می‌کرد. امروز هم همین طور است. مقام معظم رهبری رهنمودهای خودشان را می‌دهند و مردم با توجه به گزینه‌هایی که ایشان تعیین می‌کنند و شرایط ویژه کشور، نامزدهای مورد نظر را انتخاب می‌کنند.

جامعه سیاسی کشور به دو بخش اصولگرا و اصلاح طلب تقسیم شده و به تازگی نیز تفکر اعتدال مطرح شده است. خیلی از مردم به واسطه اصلاح طلب بودن یا اصولگرا بودن یا اعتدال به کاندیداها رای می‌دهند. آیا نباید هر تفکر، حزب و تفرقی نامزدهای روحانی‌خودش را معرفی کند؟



و آیا وجود روحانیون در لیست‌ها باعث رونق انتخابات می‌شود؟

نظمر خود بنده این است که ما نباید روحانیت را جدای از سایر اقسشار و اصناف مردم بدانیم. روحانیت هم یک صنف از میان تمام اصناف است. همان گونه که دانشگاهیان، پزشکان، فرهنگیان، کارگران و دیگر اقسشار جامعه در یک گروه تعریف می‌شوند، روحانیت هم یک صنف است. تاکید من بر این است که نیازی نیست یک طوری رفتار کنیم که روحانیون را جدای از سایر صنف کشور بدانیم و تقسیم جداگانه داشته باشیم. اما بدون شک لازم است تشکله‌ها و احزاب در لیستهای خودشان از قشر روحانی استفاده کنند زیرا بدون شک این قشر در بین مردم جایگاه خاصی دارد و می‌تواند برای لیستها رای آور باشد.

آیا احزاب به اندازه‌ای قدرت دارند که تاثیرگذار باشند و انتظار داشته باشیم از روحانیون حمایت کنند؟

به هر حال تشکل‌های حزبی بی تاثیر نیست اما متأسفانه یکی از خلاهای موجود کشور در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی نداشتن حزب است. بی شک تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی و حزبی باید کاندیداها را به مردم معرفی کنند. بنابر این هر تشکلی که به این نتیجه برسد یک روحانی، خدمتگزار خوبی برای مردم است و از نظر تعهد، تخصص و سایر توانمندی‌ها به نوعی است که می‌تواند اقبال مسردم را جلب کند، باید برای حمایت از او اقدام کند. در هر صورت این مهم بستگی به نظر و بررسی‌های تشکلات دارد که خواهند از روحانی در لیستهای حمایت خود استفاده کنند. برای اینکه روحانیت بتواند نظر مردم را جلب کند، لازم است که در احزاب حضور داشته باشد. بنا بر این اگر احزاب شکل گرفت که روحانیون هم باید مانند سایرین در احزاب ورود پیدا کنند ولی فعلا که حزب تعطیل است و قدرت لازم را ندارد.

اکنون خانه احزاب شکل گرفته و این دولت به حزب قدرت داده است. چرا می‌گویید احزاب تعطیل است؟ منظور ما احزاب شناسنامه داری است که به صورت رسمی و دائم فعالیت داشته باشند. متأسفانه احزاب ما تقریبا فقط زمان انتخابات به عرصه می‌آیند و بعد از انتخابات همه چیز فراموش می‌شود. باید بپذیریم که بسیاری از احزاب در حد یک لیست در ایام انتخابات است.

تمام فعالیت احزاب در سالیان گذشته بیشتر از یک لیست مربوط به چند روز قبل از انتخابات نیست و هیچگونه برنامه

ساخته ۲۷ بهمن ۱۳۹۴ - ۷ جمادی‌الاول ۱۴۳۷ - ۱۶ فوبه ۲۰۱۶ - سال پانزدهم - شماره ۳۹۷۸ مردم‌سالاری



دیگری ندارند. افرادی هم که با همین لیست‌ها به عرصه می‌آیند و وارد مجلس می‌شوند، هیچگونه تعهدی نسبت به رعایت سلسله مراتب حزبی ندارند و در واقع بسیاری از احزاب چیزهای خیلی سطحی است.

زمانی که آقای روحانی برای ریاست جمهوری آمدند با یک شعار تازه ای آمدند و توانستند اقبال عمومی‌را به خود جلب کنند. فکر می‌کنید که اگر روحانیت بتواند دائم یک تحول و یک ایده جدیدی برای مردم بیآورد موفق تر نخواهد بود؟ و چرا روحانیت به این سمت نمی‌رود؟

عرض کردم بناز هم تا‌کسد می‌کنم هر میزان روحانیت با واقعیت‌های مردم به صورت واقع بینانه برخورد کند، به همین میزان بازخورد مثبت خواهد بود و امیدوار هستیم که روحانیت هم در این زمینه حرکت داشته باشد.

بحث اصولگرا و اصلاح‌طلب مطرح است و یک عده به اصلاح‌طلبان رای می‌دهند و عده‌ای هم به اصولگرایان رای می‌دهند. قطعاً کسانی که اصلاح‌طلب هستند به روحانیون اصولگرا رای نمی‌دهند و عکس این هم صادق است. آیا لازم است که روحانیت خودش را در هر تفکری تعریف کند؟

به هر حال ما هم روحانی اصلاح‌طلب و هم روحانی اصولگرا داریم. اینطور نیست که الزاماً روحانیون حتماً باید از جناح اصولگرا باشند، بلکه امری متفاوت است. روحانیون هم مانند سایر اقسشار مردم هستند. ولی مهم آن روحانیونی هستند که به عنوان کاندیدا چه از طرف اصلاح طلبان و چه از طرف اصولگرایان می‌خواهند به مردم معرفی بشوند. مهم این است که چقدر، چه جایگاه و چه اقبالی در میان مردم دارند. براساس فرمایش امام، میزان رای ملت است. بنا بر این اگر روحانیونی که به عنوان نامزد خودشان را معرفی کردند؛ در میان مردم جایگاه و اقبال داشته باشند، رای می‌آورند. مهم قطعاً سوابق آنهاست و مردم سوابق را بررسی می‌کنند. اگر کسی فقط بخاطر این چند روز انتخابات و این فضای که شکل گرفته، بخواهد شعارهای عوام پسندانه بدهد، قطعاً مردم اقبال نخواهند کرد. مردم رزومه و گذشته فرد را بررسی می‌کنند و کاری هم ندارند که این فرد روحانی باشد یا نباشد. نکته مهمی‌که فراموش شد این است که لباس روحانیت یا به عبارت دیگر روحانی بودن یکی از ملاک‌ها و معیارهای مثبت در انتخاب کاندیدا و نماینده می‌تواند باشد. ولی همه ملاک‌ها و معیارها نیست.

همسر شاه می‌شود. در گرداگرد این بنا ساختمان‌های دوطبقه وحوضی دایره ای شکل ساخته می‌شود که امروزه اثری از آن‌ها باقی نیست و تنها برج اصلی در محوطه پادگان ولی‌عصر کنونی باقی مانده است. پس از انقراض سلسله قاجار این بنا همراه با باغ عشرت آباد به شهرپانی تهران واگذار می‌شود. در سال ۱۳۴۶ این بنا به ثبت رسمی میراث فرهنگی رسید. این ساختمان به سبب این که در حریم مکانی نظامی‌قرار داشته، تا کنون از بازدید عمومی محروم بوده وشاید تنها سربازانی که محل خدمت شان پادگان ولی‌عصر بوده، از شناس دیدن این بنا از نزدیک برخوردار بوده‌اند.اگر چه تا به حال رابزنی‌های فراوانی برای خارج کردن این ساختمان از حریم نظامی و بازدید عمومی‌از این برج صورت گرفته اما هنوز این عمارت در داخل پادگان ولی‌عصر جای دارد و جزو حریم پادگان به حساب می‌آید.

آیا ماجرا ادامه دارد

چند روز پیش ایسنا اعلام داشت که با رابزنی‌هایی که میان سپاه پاسداران وشهرداری و میراث فرهنگی صورت گرفته است، بر روی کاهش طبقات ساختمان جدیدالولاده سپاه تفاهم شده است که به نظر می‌رسد با این اتفاق چندگاهی کش‌مکش میان سه نهادی که برگیر این ماجرا بودند،پایان پذیرد. خبری که برای بسیاری از کسانی که نگران آسیب رسیدن به عمارت بودندالته خبری خوش بود. تا آنجا که شهردار تهران نیز طی یادداشتی در صحنه شخصی‌اش در اینستاگرام از سردار جعفری همرمز پیشینش تقدیر کرد واین اقدام سپاه را اقدامی صادقانه و شجاعانه خواند. اما با این همه، به سبب ارزش تاریخی بنای کلاه‌فرنگی که پارهای از بهترین هنرهای قرن سیزدهم هجری شمسی را در خود جای داده است، و احتمال بالای هر خطر بودنش، چندان بعید نیست که ظرف روزها ومه‌های آینده بازم شاهد جدل‌های مسوولین سپاه، شهرداری و میراث فرهنگی بر سر سرنوشت این برج تاریخی باشیم.ماجرايي که اگر همچنان كشدار باشد هرچه زودتر تكليف مرمت و بازسازی آن روشن نشود، احتمالاً سر عمارت کلاه‌فرنگی را بي کلاه خواهد گذاشت!



کلاه‌فرنگی، یکی از بناهای تاریخی تهران

(۱۳۰متر) با عمارت کلاه‌فرنگی حفظ کرده، در حالی که این عمارت با اتوبان شهید صیاد شیرازی ۵۰ متر بیشتر فاصله ندارد، گلایه مسوولین میراث فرهنگی وشهرداری را در باره آسیب رسیدن به عمارت کلاه‌فرنگی مردود دانست.

یادداشت اینستاگرامی شهردار!

اما گویا پاسخ‌های مسوولین سپاه پاسداران هم‌رمز قدیمی‌شان را که حالا بر کرسی شهرداری تهران نشسته است، چندان راضی نکرد تا آنجا که دکتر قلیابف در یادداشت کوتاهی در اینستاگرامش خطاب به همسنگران سابقش نوشت: «یکی از مطالبات عمومی‌از نهادهای نظامی در این سال‌ها، خروج پادگان‌ها از کلاتشهرها بوده است. در سال‌های